

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۸- بررسی زیارت اربعین در نگاه متقدمین و متأخرین با محوریت رویکرد «اربعین الهی»

ج ۸: بررسی زیارت اربعین در نگاه متقدمین و متأخرین با محوریت رویکرد «اربعین الهی»

دلایل ۴گانه در تثبیت و تقویت فضای عزاداری نسبت به اربعین حضرت تا قبل از امام صادق ع

توجه به اربعین و چهله نشینی در موضوعات مهم، مورد توجه پیامبر اکرم ص و دیگر هادیان الهی قرار داشت. ضمن آنکه حفظ فضای «دوره عزا» حداقل تا چهل روز پس از یک عزا، یا «پایان» و اعلام نوعی از عزا در اربعین، در صدر اسلام و در امت اسلامی رواج داشت. ماجرای امام حسین علیه السلام نیز از این قاعده مستثنی نبود. البته این نوع از نگاه به اربعین حسینی، به حسب تحولاتی که تا اربعین حضرت در طبیعت واقع شد نیز، مورد تقویت قرار گرفت؛ تغییرات فضای خورشید و سرخ بودن پیوسته آن، خونین بودن بخش‌هایی از زمین در هنگام برداشتن قطعات سنگ از زمین و... از جمله این موارد بود.

در اربعین اول سالار شهیدان، جناب جابر که از بزرگان صحابه پیامبر اکرم ص بود، با حضور بر مزار حضرت، به مباحث ۳گانه پیش گفته دامن زد و پس از او نیز توجه به اربعین حضرت، در فضایی نسبی در جامعه اسلامی شایع گردید. در آغاز شکل‌گیری جریان اربعینی نسبت به اباعبدالله ع، تلقی رفتاری افراد در قبال این مصیبت، صرفاً تلقی عزاداری بود. این نگاه شایع و عمومی، در سال‌های اولیه پس از شهادت اباعبدالله علیه السلام، عمدتاً معطوف به عزاداری حضرت بود و نهایتاً انتقام از دشمنان توسط جاماندگان از کاروان حسینی!

از تمرکز بر فضای حادثه ای و اقامه عزا، تا ورود به اربعین و انتظار رمزگشایی از دوره جدید

طبیعی است که بررسی اربعین در فضای حادثه ای عاشورا، رفتارهایی صرفاً از جنس عزا را به ارمغان خواهد آورد چنانکه پیش از این نیز چنین شد و همین نوع از رفتار، در کل فضای سنوات قبل تعمیم پیدا کرد. کسی که در متن حادثه عاشورا تامل می‌کند، یک گونه فهم می‌کند و کسی که پس از متن حادثه و با قدری فاصله از آن به تامل می‌پردازد به گونه ای دیگر! در نگاه عمومی به حادثه، فضایی پر از نیزه، شمشیر، درگیری و نزاع رویت می‌گردد و البته پس از چهل روز گریستن و بر سر و سینه زدن، و نگاه کردن از فضایی فراتر از حادثه به حادثه، زوایای مختلفی مورد کاوش قرار می‌گیرد که از ابتدا چه بسا دیده نمی‌شود.

فاصله گرفتن از متن حادثه و نگاه به حادثه پس از فرونشستن تب و تاب‌ها و هیجان‌ها، چیزی بود که جریان اربعین از ابتدا در درون خود نشان می‌داد. فضای اربعینی به واسطه فاصله گرفتن از اصل حادثه، توأم با دقت و تامل، بازبینی صحنه و مسیر حادثه، فهم پشتوانه‌های حادثه، چگونگی نتیجه‌گیری صحیح جهت استفاده از آن حادثه، همراه با بصیرتی جدی و عمیق بود. بعد از یک دوره اربعینی، این موضوعات می‌بایست ملاک توجه قرار می‌گرفت تا اتخاذ تصمیمات جدید حسینی و ورود به یک دوره جدید آغاز می‌شد. اما واقعا این تصمیمات جدید اربعینی در نسبت با جریان حسینی چه چیز می‌توانست باشد؟ چه کسی می‌توانست آن را ببیند و از آن حرف

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۸- بررسی زیارت اربعین در نگاه
متقدمین و متأخرین با محوریت رویکرد «اربعین الهی»

بزند؟ این تصمیمات چقدر از نوع حادثه عاشورا و یا چقدر از جنس مفاهیم عاشورا است؟ و امت اسلامی چقدر با
این موضوعات آشنا بود و آن را می‌فهمید؟

زیارت الاربعین امام صادق ع، نقشه راه زندگی جهت عبور از بحران های آینده

بر اساس روایات موجود، امام صادق ع در زمان امامت خود، رفع نیازهای فکری و عملی جامعه خویش و آیندگان
را در گستره ای عظیم به بحث گذاشت و تبیین ابعاد نظری و عملی ماجرای حسینی - اعم از اقامه عزاء، شکر
حسینی، توجه به رجعت و... را به ویژه در فضای اجتماعی، به عنوان راهکار عظیم برای عبور از بحران های
آینده وجهه همت قرار داد! از جمله ادعیه موید این فضا، زیارت اربعینیه است که حضرت با بیان دقیق و موثر
خود، مبین نقشه راه و ریل‌گذار حداکثری این جریان شده و با طرح «زیارت اربعین» حداقل در ۱۰ بخش،
ماجرای حضرت، زیارت حضرت خاصه زیارت اربعین را با نگاهی جامع، حکیمانه و آینده نگر مورد توجه قرار داد.

امروزه بعد از گذشت هزار و اندی سال و بعد از تحقق پدیده عظیم اربعینی، برایمان مشهود است که ظرفیت
زیارت اربعین، چیزی متفاوت از آن فضایی است که در گذشته مورد فهم قرار گرفته است! رفتار ما در قبال
زیارت اربعین و فرمایش امام صادق علیه‌السلام، عمدتاً رفتاری حداقلی بوده است؛ ما با تقلیل دادن «زندگی
اربعینی» به «خواندن زیارت الاربعین» اکتفا کرده و از فضای اصلی تربیتی که توسط امام صادق ع تبیین شده
است جا مانده ایم!

راهپیمایی اربعین، در حال تحقق تفسیری صحیح، دقیق و عینی از زیارت الاربعین امام صادق ع

آنچه امروز در ماجرای اربعین قابل مشاهده و فهم است به نسبت فهم پیشین، به تفسیر صحیح و مناسب از
زیارت اربعین نزدیک تر است. اینکه ما زیارتی از امام صادق علیه السلام یاد بگیریم و صرفاً بخوانیم، تفسیر
دقیقی از زیارت اربعین نیست. اینکه در کنار مزار اباعبدالله جمع بشویم و زیارتی انجام دهیم نیز، تفسیر دقیقی
از زیارت اربعین نیست. اینکه همان متن زیارت تحقق پیدا کند، نگاهمان تغییر کند و آنگونه شویم، به اربعین
حقیقی نزدیک تر است. اینک این اتفاق در فضای اجتماعی زیارت اربعین در حال وقوع است!

پس از طی هزار و اندی سال از دوران غیبت، جامعه بشری در حال مشاهده جوششی عظیم از درون فضای
آسمان حسینی بر روی زمین است! این ظرفیت به یکباره ایجاد نشده است، بلکه از گنج‌های عظیم درون جریان
حسینی است که خدای متعال آن را در این زمان به میدان آورده است. به تعبیر دیگر، زایش جریان حسینی،
اینک جریان و فضای اربعینی را شکل داده است. آنچه در هزار و اندی سال پیش مدنظر امام صادق ع قرار
داشت، اینک می‌بایست شکل گیرد و به بلوغی جدی در اربعین منتهی گردد.

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۸- بررسی زیارت اربعین در نگاه متقدمین و متأخرین با محوریت رویکرد «اربعین الهی»

نجات بخشی جریان حسینی تا کدامین درکات انسانی را نشانه رفته است؟ (پاسخ بخش ۵ زیارت به بخش ۳)

بر حسب «لیستنقد عبادک من الجهالة» که در بخش سوم زیارت اربعینیه مطرح شد، این فضا به قدری پر قدرت جلو خواهد رفت که - چه در این مرحله از تاریخ و چه در مراحل بعد- دستگیری و نجات از بندگان خدا شکل خواهد گرفت.

در بخش پنجم زیارت اربعینیه به این پرسش پاسخ داده می شود که تا چه بخشی از بندگان امکان دستگیری و نجات را خواهند یافت؟ در این بخش، از سرآمد دشمنان حضرت سخن به میان می آید، همان کسانی که مطاع دیگران هستند و خطاب ما اینگونه می شود که: خدایا! برخی از عباد تو، که اهل شقاوت و نفاق هستند، سرآمدان تقابل با جریان حسینی هستند. دامنه عباد تا اینجا هم توسعه پیدا کرده است! بر این اساس، نور حسینی ظرفیتش چنان است که عباد را حتی از آن فضا نیز به سوی خود فرا می خواند؛ و اگر دستی دهند، به سوی نور می کشاند. چه اینکه در برخی از موارد تاریخی نیز محقق گردیده است.

از قرائت فردی زیارت اربعین توسط متقدمین، تا زیارت جمعی متأخرین در راهپیمایی اربعین

زیارت اربعین منقول از امام صادق ع در آثار متقدمین، عمدتاً در حوزه «قرائت فردی» و «حاجت خواهی فردی» متوقف مانده و علامت بودن آن در حوزه ایمانی، عمدتاً به شکل یک فضای گسترده در کنار نماز مورد مطالعه قرار نگرفته است. حداقلی دیدن زیارت اربعین در کنار نماز حداکثری، وجه اشتراک عمده آثار پیشین بوده است. معنای حداقلی زیارت اربعین آن است که در هر سال، در روز اربعین، صرفاً به قرائت زیارت اربعین آن هم عمدتاً به شکل فردی و برای حوائج فردی بسنده نماییم.

در حال حاضر، نگرش متأخرین به زیارت اربعین، از رویکرد فردی به سمت رویکرد جمعی - با مصادیق زیارت جمعی، حاجت خواهی جمعی و...- در حال تغییر است. زیرا پدیده اخیر اربعین، در نگاه اولیه، پدیده ای جمعی است و به همین دلیل، فضای قرائت فردی زیارت اربعین نیز تغییر کرده است.

رویکردهای ۵ گانه گذشته گرا، نسبت به مبداء و خاستگاه راهپیمایی اربعین

براستی مبداء این پدیده اجتماعی کجاست؟ در نگاه اندیشمندان، نوع نگاه به «مبداء و خاستگاه جریان اربعینی» امروز دارای تفاوت بوده و در پنج بخش قابل دسته بندی است؛

اولاً: امتداد اقدام جناب جابر: محققین امروزی عمدتاً پدیده و راهپیمایی عظیم اربعین را امتداد حرکت جناب جابر می دانند. یعنی حرکتی اجتماعی در صدر اسلام پس از جناب جابر شروع شد، امام صادق علیه السلام با یک دعا به این فضا دامن زدند و امام عسکری هم تشدید و تقویت کردند. بر این اساس، حرکت امروزی، حرکتی

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۸- بررسی زیارت اربعین در نگاه
متقدمین و متأخرین با محوریت رویکرد «اربعین الهی»

تصاعدی، در روندی رو به رشد و در سیری کاملاً منطقی و موزون، پله‌های گذشته را طی کرده و به این نقطه رسیده است.

ثانیا امتداد حرکت عالمان نجف: برخی راهپیمایی اربعین موجود را در نسبت با حرکت عالمان نجف از ۸۰ سال گذشته ارزیابی کرده و آن را منشاء این راهپیمایی می‌دانند. حضرت آیت الله مکارم فرمودند: من زمانی که در نجف بودم، دو بار به این راهپیمایی مشرف شدم. یک دوستی داریم، ایشان می‌فرمود: من با آقا سید مصطفی خمینی با یک جمعیت ده پانزده نفره، این مسیر را چند بار طی کردیم.

ثالثا تبعه رفتن صدام: برخی ماجرا را تبعه رفتن صدام ارزیابی می‌کنند؛ یعنی از ۲۰۰۳ به بعد. زیرا از زمان مرگ صدام بود که عراقی‌ها توانستند آزادانه این نوع از مراسم را برگزار کنند.

رابعا تبعه هجوم داعش: بعضی نیز شروع ماجرا را از ۸۸-۸۹ در نظر می‌گیرند و علت را شروع نبرد با داعش و انگیزه مردم جهت تجمیع بر ارزش‌ها می‌دانند.

خامسا حرکتی خودجوش: برخی نیز این حرکت را خودجوش تلقی کرده و عوامل مختلف را در فضا سازی صحنه موثر می‌دانند.

نگرش‌های ۵گانه فوق، عمدتاً نگرش‌هایی گذشته‌گرا بوده و خاستگاه پدیده عظیم اربعینی را، «خاستگاهی در گذشته» قرار داده است!

«اربعین الهی» از چالش‌ها تا نصرت‌ها؛ (رویکرد ششم به خاستگاه راهپیمایی اربعین)

در میان فضای پنجگانه مذکور که محققین نسبت به مبداء جریان اربعین دارند، فضای جدیدی به محبت خدای متعال در سال‌های اخیر - عمدتاً در کشور و در میان برادران عرب زبان به ویژه عراقی‌ها - شکل گرفت و رویکرد «اربعین الهی» با ذکر ابعاد گسترده‌اش مطرح گردید. در این سیر، مبداء پدیده اجتماعی اربعین، خداجوش و الهی دیده شده و با توجه به موضوع «تحول قلوب» به عنوان خاستگاه جریان اربعینی اخیر، سایر ابعاد نیز از این زاویه مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

رویکرد «اربعین الهی» که امروز به عنوان یک رویکرد جدی و قدرتمند و در راس رویکردهای مختلف وجود دارد، در آغاز، در تنگنایی جدی قرار داشت. قضیه‌ای را تعدا می‌گویم تا در تاریخ ثبت بشود. یادم نمی‌رود یک زمان با مرحوم شهید اسداللهی - از برادران عزیز و خوب مدافعین حریم و حرم که تصویرش هم اینجا هست - تماس گرفتم. حمید جان یک سال و نیم پیش به شهادت رسیده و عمر این جریان نهایتاً سه چهار سال پیش است!

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۸- بررسی زیارت اربعین در نگاه
متقدمین و متأخرین با محوریت رویکرد «اربعین الهی»

گفتم حمید جان! فلانی از عراق آمده، فردا با ما قرار دارد، اگر مایل هستی در جلسه باشی در خدمتیم. گفت: باشد می‌آیم. آن عالم با چند نفر دیگر بودند، تشریف آوردند، ایشان هم آمد. نشستیم و گفتگو کردیم. نزدیک نماز ظهر که شد حرکت کردند به سمت وعده دیگر با یکی از مبلغین مشهور و اثر گذار در فضای کشور! قبل از رفتن گفتند بحثمان تمام نشده است می‌رویم و دو ساعت بعد بر می‌گردیم. حمید آقا هم با ایشان رفت! در برگشت، قبل از اینکه این بزرگواران وارد جلسه بشوند، شهید اسداللهی بنده را کنار کشید و گفت که: حاجی یک فکری بکن! در آن جلسه که رفتیم، اوضاع این عالمان و عزیزان عراقی به هم ریخت! گفتم: چرا؟ گفت: در آن جلسه، فلان مبلغ شهیر که صاحب جلسه بود گفت: «اربعین را ما اربعین کردیم! خیلی‌ها حضوری با من گفتگو کرده اند، تلفنی با من صحبت کرده اند و گفته‌اند چون شما گفتید اربعین، افراد به اربعین رفته‌اند. اربعین را شما اربعین کردید!». حمید جان گفت: حاج آقا! طرف بهم ریخت. این عالم عراقی می‌گوید: واقعا شما اربعین را اربعین کردید؟! چرا اربعین را دارید ایرانی می‌کنید؟! گفتم: نگران نباش. غیر مستقیم وارد بحث می‌شویم و تکلیف نگرش‌های موجود کشور در حوزه اندیشه را روشن می‌کنیم. اگر با جنس جریانات فکری و تبلیغی آشنا باشند دیگر گرفتار نمی‌شوند! نشستیم یک چارت بستیم و نگرش‌های مختلف کشور به حوزه مهدویت را در پنج بخش مطرح کردیم و در این فضا، نگرش‌های به جریان اربعین را هم مطرح کردیم. در آن فضا، نقد آن جریان را هم کردیم.

خب ببینید عرض اینجا است. بهترین مبلغین ما حدود ۳-۴ سال پیش، مدعیان این بود که «اربعین را ما اربعین کرده ایم!» الان شما وقتی نگاه می‌کنید، فضای شایع و عمومی این است که جریان اربعین، یک جریان خدایی است، هدیه خدا است، او عطا کرده است! ما فاصله زمانی زیادی از آن زمان نداریم که از «من و ما» بیرون آمده ایم و خدایی می‌بینیم.

در انقلاب اسلامی ایران هم به همین نوع از نگاه‌ها گرفتاریم! هر چه که جلوتر آمدیم «من و ما» بیشتر شد! ابتدا می‌گفتیم «انقلاب برای خدا است»، «صاحب انقلاب، امام زمان است»، «خدا خرمشهر را آزاد کرد»، حرف امام را تکرار می‌کردیم. قائل بودیم که خداوند همه‌کاره هست و ما باید دست و بازوی خدا بشویم. یواش یواش تغییر کردیم؛ گفتیم «انقلاب برای ماست»، «فلانی ستون انقلاب است»، «ما حق داریم گردن انقلاب»، «صاحب انقلاب هستیم»، «انقلاب مثل سفره است»، «آمده تا خدمت ما بکند» و تعبیر مختلفی که حتما شنیده اید. در انقلاب که جلو آمدیم، نگاه‌مان به حقیقت انقلاب تغییر کرد، در حالی که باید دقیق‌تر می‌شد و آن فضایی که امام راحل فرموده بودند: «نگاه به امانت» این باید پررنگ می‌شد!

جالب است؛ به نظر می‌رسد خدای متعال دارد در جریان اربعین، این فضا و ضعف ما را جبران می‌کند. چند سال پیش در اربعین گفته می‌شد: کار ما است! امروز می‌گوییم زشت است بگوییم کار ما است، اصلا بد است، خراب

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۸- بررسی زیارت اربعین در نگاه متقدمین و متأخرین با محوریت رویکرد «اربعین الهی»

می‌شود. هم اتحاد ما را به هم می‌ریزد و هم اصلا کار ما نیست! از ما حدود دو میلیون در اربعین ۱۳۹۵ رفته اند و طبق پیش‌بینی رایزن فرهنگی عزیزمان در عراق، امسال منتظر حدود سه و نیم میلیون نفر به شکل رسمی بودند - که عملاً ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر شکل گرفت - خطا است اگر بگوییم کار ما است، بلکه ما هم در این آشی که خدا می‌پزد نهایتاً نخودی می‌اندازیم! کاره‌ای نیستیم، خدمتگزاریم.

نوع نگاه به جریان اربعین دارد به سمت اربعین الهی پیش می‌رود؛ این موضوع به دست خدای متعال در حال شکل‌گیری است. شواهد مختلف گواه آن است که این سیر مورد پشتیبانی و نصرت جدی قرار گرفته و مقدم بر مجموعه‌هایی که به شکل منسجم به ابعاد الهی اربعین می‌پردازند، دستی الهی، قلب‌ها را به سمت این نوع از مفاهیم متوجه کرده و این موضوع و شیوه را در میان افراد مختلف پر رنگ نموده است.

شواهدی بر گسترش رویکرد «اربعین الهی» در میان متأخرین نسبت به راهپیمایی اربعین

همانگونه که «قرائت فردی» از زیارت اربعین، ادبیات خود را تولید کرده است، و همانگونه که بعضی از محققین و مبلغین با رویکردهایی «پنج‌گانه»، به تولید ادبیات برای زیارت جمعی اربعین پرداخته اند، رویکرد «اربعین الهی» نیز نیازمند ادبیاتی مناسب است که در حال کشف و تولید است. رویکرد اربعین الهی دارای بن‌مایه‌هایی است؛ اولاً این ماجرا الهی است. ثانیاً به جای فضای صرفاً فردی، فضای توجه جمعی، زیارت جمعی و حاجت‌خواهی جمعی را مدنظر قرار می‌گیرد. و ثالثاً در این فضا به کاوش مختصات اصلی از جمله مقصد، مسیر، چگونگی حرکت و... رو آورده می‌شود. در ادامه درصدد کشف این معنا بر خواهیم آمد.

زیارت اربعین در کلام و آثار اندیشمندان متأخر - به ویژه پس از شدت راهپیمایی اربعین در سال‌های اخیر - عمدتاً با نگاهی متفاوت، برآمده از یک فضای قدرتمند آسمانی و در مجموع، با رویکردی «الهی» مورد توجه قرار گرفته است. تعبیر کوتاه و منتخب ذیل، گواهی بر این معناست؛

«گسترش محبت جهت زمینه‌سازی فضای مهدوی»، «نظریه حب»، «اقتدای امت به امام و عینیت بخشی او در این راهپیمایی»، «اجتماع قلوب و اجسام حول امام جهت تشکیل جامعه بر محور امام»، «ورود اراده مستقیم خداوند و مدیریت معجزه‌آور» که دست‌ها از شکل‌دهی آن ناتوان هستند، «پیوند انقلاب، بیداری اسلامی و اربعین در حرکت به سمت آینده»، «ایجاد جهش بزرگ اجتماعی به سوی تمدن آینده»، «تجلی امام در قامت جمعیت میلیونی»، «عطرآگین شدن فضا با شمیم یا لثارات‌الحسین در حرکت آخر الزمانی»، «مشابهت جریان اربعینی به انقلاب اسلامی و فراتر از قبل». یعنی اگر انقلاب اسلامی - حالا به تعبیری که فرموده اند- ورود ایران به فضای ملکوتی بود، اربعین نویدی است بر ورود امت‌ها و پیروان ادیان به عالم ملکوت!

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۸- بررسی زیارت اربعین در نگاه متقدمین و متأخرین با محوریت رویکرد «اربعین الهی»

«پیوند ادیان بر محور اربعین»، «جایگاه استراتژیک اربعین و ایجاد جریان قسوره‌وار»، «ظرفیت آینده‌سازان اربعین در درون امت‌ها»، «ایجاد مدل خدایی در طراحی الگوی تمدن‌ساز»، «ترسیم فضایی برای گسترش نهضت حسینی به سمت جامعه عدل مهدوی»، «شکل دهی تمدن اربعینی و ترسیم صحیحی از فضای خانواده».

این نوع از نگاه به اربعین، با نگاه به اربعین به عنوان «پدیده‌ای با خاستگاه گذشته» متفاوت بوده و نوید بخش خوبی برای بهره‌ای از جریان الهی اربعین به شمار می‌رود. این تعبیر حکایت از گفتمانی دارد که در چند سال اخیر، در میان برخی از محققین کشور شکل گرفته است: حضرت آیت‌الله حایری، حضرت آیت‌الله فاضل، آیت‌الله میرباقری، جناب آقای دکتر بابایی، دکتر محمدتقی سبحانی، آیت‌الله اراکی، جناب استاد طاهرزاده، آیت‌الله علوی گرگانی، جناب دکتر لک زایی، دکتر فلاح، دکتر عباسی، جناب آقای دکتر مهدی‌زادگان، دکتر ملکی، دکتر پیروزمند، الویری، زیبامنش و غیره.

«اربعین الهی» و موضوعات مهم آن در کلام اندیشمندان متأخر

در ادامه، بخشی از موضوعات مذکور را - که حاصل مطالعه ایشان در جریان راهپیمایی اربعین است - منظم کرده و در قالب «خدایی بودن مبداء»، «کشف مقصد»، «بررسی ابعاد» و... تقدیم می‌کنیم؛

یکی از محورهای مورد توجه «مبداء شناسی جریان اربعین» است؛ «ذکر رویکردهای پنج‌گانه به مبداء اربعین»، «اربعین؛ خودجوش یا خدا جوش»، «ناتوانی انسان‌ها از تحقق این پدیده معجزه‌گونه»، «تحولات روحی به دست پروردگار»، «از تحول قلوب تا تجمیع قلوب» و... بخشی از ادبیاتی است که در مبداء‌شناسی جریان اربعین تولید شده است.

پیش از این نیز در اندکی از موارد، جریان نخبگانی، فضای «مقصدشناسی» را مورد تامل قرار داده است. برخی از این موارد عبارت است از: «کمال عبودیت جمعی»، «همچنین «تجلی امام در قالب جمعیت میلیونی» و «تشکیل جامعه حول امام» که در سال ۶۱ هجری در میان چند ده نفر شکل گرفت و امروز در یک ظرفیت چند ده میلیونی قابل رویت است و می‌تواند به کمال خود نزدیک بشود! «اقتدا به امام و عینیت بخشی به آن»، «ورود پیروان ادیان به عالم ملکوت»، «مانور فرامذهبی - فطری»، «شکل‌گیری جریان قسوره جهت قدرت‌نمایی امت اسلامی»، «شمیم قیام و یا لثارات»، «زمینه‌سازی پذیرش عدل مهدوی» و «امتداد جریان انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و اربعین»، «ظرفیت آینده‌سازانه و دارای پتانسیل الگوی تمدن» نیز از جمله این موارد است.

منظور از تعبیر ورود پیروان ادیان به عالم ملکوت، حال و هوایی غیر دنیایی و یک فضای متعالی، ارزشی و آسمانی است. و نه تعریفی مبتنی بر تفکیک محدوده ملکوت از عرش و آسمان! این فضای متعالی، نه فقط پیش

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۸- بررسی زیارت اربعین در نگاه
متقدمین و متأخرین با محوریت رویکرد «اربعین الهی»

روی جامعه اسلامی که حتی در مقابل ادیان نیز قرار گرفته است. پس از این در کنگره‌های بین‌المللی اربعینی ما
«مقصدشناسی» جریان اربعینی به عنوان محور مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بر اساس آنچه در حوزه مقصدشناسی گذشت، اربعین می‌بایست به عنوان قلب تپنده تحولات فرهنگی در دوران
غیبت، ایجاد کننده دوراهی در تاریخ و بازکننده مسیر جدید به سوی آینده بشر مورد مطالعه قرار گیرد. خدا
دارد فضا را برای مقابله و مواجهه با دشمن مهیا می‌کند. ماجرا دارد جلو می‌رود. امروز هم در تشییع پیکر مطهر
شهید حججی، سخنران مجلس، کنایه‌ای به فضای صهیونیسم زد که حالا چنین و چنان کردید؟ اربعین به شما
می‌گوییم! راستی آیا ما اربعین را حداقل به عنوان قلب تپنده تحولات چند سال اخیر می‌بینیم؟

بخشی از مطالعه، پیرامون «ابعاد جاذبه و انسجام این جریان» است با فضای حس و عاطفه عمیق، که حاکی از
فضایی مادرانه است. «جریان حب؛ محور انسجام بخش جریان اربعینی»، «ترسیم زندگی حسینی، انسجام
خانواده و تصحیح زندگی»، «پیوند عناصر حسینی و مهدوی»، «اربعین و تقابلی بی‌نظیر در تاریخ ادیان» و...
جزء ابعاد متأثر از فضای جاذبه‌ای و انسجام بخش این جریان است که در سخن محققین مورد توجه قرار گرفته
است.

این نوع از گویش که در فضای محققین اخیر شکل گرفته است گویشی برآمده از اربعین الهی است، که هر چه
تامل و مطالعات در این پدیده بیشتر گردد، اثرگذاری دست قدرت خدای متعال و نور حسینی بیشتر قابل فهم و
قابل همراهی خواهد بود. توجه به اربعین الهی و بررسی ابعاد گسترده این جریان حسینی، مسیر آتی ما را
روشن‌تر و دارای تضمین قرار می‌دهد.

در این رویکرد، «محوریت اربعین» بر بصیرت بخشی است. اربعین ایجاد بصیرت می‌کند؛ بصیرت به گذشته، حال
و آینده، همچنین بصیرت به موضوعات و فضاهایی که در حالت عادی موثر نبوده است همچون اهداف و عمق
جریان حسینی! همچنین بخشی از «تبعات بصیرت اربعینی»، ایجاد تحول فرهنگی، کادرسازی، نیروسازی،
ملت‌سازی و امت‌سازی خواهد بود ان شاء الله.

روش‌های ۳گانه مطالعات قرآنی اربعین: مدخل واژگان، دامنه مفهومی روایات زیارت، تطبیق آثار پدیده با قرآن

تا این قسمت از مباحث، هم‌نگاهی روایی به مقوله «زیارت» داشتیم و هم‌نگاهی به مقوله «زیارت اربعین» و
البته کلام اندیشمندان متقدم و متأخر در موضوع زیارت اربعین را نیز مورد توجه قرار دادیم. در ادامه با توکل بر
خداوند وارد بحث قرآنی شده و شیوه‌های ورود به بحث قرآنی را با ذکر چند مثال مورد سخن قرار می‌دهیم. در
بررسی قرآنی زیارت و جریان اربعین، حداقل سه شیوه پیش رو قرار دارد؛

نور اربعین خاموش نخواهد شد؛ ج ۸- بررسی زیارت اربعین در نگاه
متقدمین و متأخرین با محوریت رویکرد «اربعین الهی»

شیوه اول، مبتنی بر «واژه شناسی» و ورود از مدخل واژگان غالب است. برای مطالعه قرآنی جریان اربعین، چه واژه‌ای در میان واژگان متداول، مدخلی مناسب برای ورود است؟ واژه ای که پوشیده نیست، در جلوی چشم قرار دارد، و عمدتاً مورد استفاده قرار گرفته است چیست؟ تعبیر «لقاء» قرآنی، معادلی بر تعبیر «زیارت» روایی برای اربعین و یکی از مداخل ارزشمندی است که می‌توان زیارت، پدیده و آیه اربعین را در قرآن مورد مطالعه قرار داد. تعبیر «لقاء» در بردارنده موارد زیر است: پایان فاصله طولانی، اتصال به یک فضای حضوری، کنار هم قرار گرفتن دو فضا یا دو مجموعه، بهره حداکثری فضا و شخص پایین دست از فضا و شخص بالادست و عظیم‌تر در یک فضای حضوری! با تمرکز بر آیات «لقاء الله» در قرآن، سیاق‌های مرتبط با زیارت اربعین یافت شده و مورد کاوش قرار می‌گیرد.

شیوه دوم، تمرکز بر دامنه مفهومی روایات زیارت، کشف مداخل مطالعات قرآنی و ورود به آیات قرآن می‌باشد. به عنوان مثال عرض شد که اثر زیارت حسینی بر انسان، از غفران الهی و طهارت انسان در روز ولادت آغاز می‌شود و در ۳ بخش امتداد می‌یابد: تا جریان فضل و کتابت در اعلی‌علیین، همچنین تا زندگی الهی و خدایی در دنیا، و تا بهره از لقاء الله و زیستن آخرتی برای انسان! مجموع این روایات، برای ما دامنه‌ای مفهومی شکل داده که به واسطه آن می‌توانیم وارد آیات قرآن شویم و ابعاد زیارت، پدیده و آیه اربعین را به دقت مورد مطالعه قرار دهیم. این شیوه گسترده بوده و تفصیلی جدی می‌طلبد.

شیوه سوم، آن است که تمرکز ما بر پدیده موجود اربعین - زیارت و راهپیمایی اربعین - شکل گیرد؛ اتفاقات، تحولات و تاثیرات فردی و اجتماعی واقع شده را لیست کرده، با دامنه مفهومی حاصله وارد قرآن شده و سخن قرآن در این زمینه را مورد کنکاش قرار دهیم. از اولین تاثیرات، حس سبکی، حس طهارت و ایجاد فضای تزکیه برای انسان است که می‌بایست به دقت مورد بررسی در قرآن قرار گیرد.

پس روش ما در جلسات آتی جهت مطالعه قرآنی اربعین، با توجه به ۳ حوزه شکل خواهد گرفت انشاء الله: اولاً از مدخل قرآنی «لقاء»، ثانیاً از دامنه مفهومی حاصل در ذیل روایات زیارت، ثالثاً از مطالعه تطبیقی ابعاد پدیده اربعین با اثرات آن را در قرآن!